



دانشگاه تبریز
پردیس دانشگاه تبریز
گروه: علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی - گرایش علوم سیاسی

عنوان:

**بررسی رابطه مشارکت سیاسی و مشروعیت حکومت در فقه سیاسی شیعه
از عصر مشروطه تا جمهوری اسلامی**

استاد راهنما:

دکتر فرامرز تقی لو

استاد مشاور:

دکتر رجب ایزدی

دانشجو:

صادق کهنسال اوخچی

آبان ۱۳۹۷

بسم الله الرحمن الرحيم

تعهدنامه

عنوان پایان‌نامه: بررسی رابطه مشارکت سیاسی و مشروعیت حکومت در فقه سیاسی شیعه

از عصر مشروطه تا جمهوری اسلامی

اینجانب عارفه بلوس دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی گرایش علوم

سیاسی-گرایش علوم سیاسی دانشکده پردیس دانشگاه تبریز تحت راهنمایی دکتر دکتر فرامرز تقی

لوهیربا تعهد به رعایت موارد ذیل، اقرار و اذعان می‌نمایم:

۱. تحقیقات و نتایج ارائه شده در این پایان‌نامه حاصل مطالعات علمی اینجانب بوده، مسئولیت صحت و اصالت

مطالب مندرج در آن را به طور کامل بر عهده می‌گیرم.

۲. در خصوص استفاده از مطالب و پژوهش‌های محققان دیگر به مرجع مورد نظر استناد شده است.

۳. مطالب مندرج در این پایان‌نامه را اینجانب یا فرد دیگری به منظور اخذ هیچ نوع مدرک یا امتیازی تاکنون به

هیچ مرجعی تسلیم نکرده است.

۴. کلیه حقوق این اثر به دانشگاه تبریز تعلق دارد. مقالات مستخرج از پایان‌نامه، ذیل نام دانشگاه تبریز

(University of Tabriz) به چاپ خواهد رسید.

۵. حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان‌نامه تاثیر گذار بوده‌اند در مقالات مستخرج از

پایان‌نامه رعایت خواهد شد.

۶. چنانچه بعد از جلسه دفاعیه محرز گردد که مطالب پایان‌نامه به صورت کلی یا جزئی مورد سرقت علمی قرار

گرفته است، نسبت به ابطال مدرک تحصیلی حق هیچ‌گونه اعتراض و ایرادی نخواهم داشت.

تاریخ

نام و امضاء دانشجو

خداوند متان را ساگریم که به ماتوفیق فراگیری علم و دانش عطا فرمود و در این مسیر نیز همیشه دستان را گرفته و از پیچ

گرامتی که سایه خداوندی اوست دریغ نوزید؛

حال حاصل مطالعات خودسیرامون موضوع مورد نظر را تقدیم می‌کنم به:

همه دانشمندی که در راستای اعتلای دین مبین اسلام و آموزه‌های راستین آن قلم به دست گرفته و نسل‌های بعد

از خود را نسبت به حقایق این دین عظیم آگاهی بخشیدند.

و نیز این نوشتار را تقدیم می‌کنم به پدر و مادر و خانواده خودم که در همه مراحل زندگی همیشه یار و یاور من بوده‌اند.

«سپاسگزاری»

به مصداق حدیث کبریا «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بسی شایسته است که از زحمات استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر تقی لاکه در این مسیر بارهمنیابی‌های خود موجب هر چه پر بارتر شدن این نوشتار گردیده

اند تقدیر و سپاسگزاری می‌نمایم.

و هم‌ینطور از استاد مشاورم جناب آقای دکتر ایزدی و سایر اساتیدی که در این مقطع تحصیلی از محضر آنها

کسب علم و دانش نموده‌ام تشکر و قدر دانی نموده

و طول عمر با عزت برایشان از درگاه احدیت مسئلت دارم.

نام خانوادگی: کهنسال اوخچی	نام: صادق
عنوان پایان نامه: بررسی رابطه مشارکت سیاسی و مشروعیت حکومت در فقه سیاسی شیعه از عصر مشروطه تا جمهوری اسلامی	
استاد راهنما: دکتر فرامرز تقی لو	استاد مشاور: دکتر رجب ایزدی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: علوم سیاسی/گرایش علوم سیاسی دانشگاه تبریز	
دانشکده: پردیس دانشگاه تبریز تاریخ فارغ التحصیلی: آبان ۱۳۹۷ تعداد صفحه: ۱۴۶	
کلید واژه ها: مشروعیت، حکومت، اسلام، فقه، شیعه	
<p>چکیده: از زمان شکل گیری و گسترش اندیشه های سیاسی در اجتماعات و مکاتب مختلف فکری، یکی از مهمترین مباحث در بین اندیشمندان هر دوره، مطالعه پیرامون نحوه ی اداره جوامع و بررسی نقش مردم در این خصوص بوده است که در این میان، دین مبین اسلام و مذهب تشیع نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. بر همین اساس، در پاسخ به این سوال که فقهای شیعه در عصر معاصر چگونه میان مفهوم مشارکت سیاسی مردم در حکومت و مشروعیت آن رابطه برقرار کرده اند رابطه ی مشارکت سیاسی و مشروعیت حکومت و نقش مردم در آن از منظر برخی فقهای معاصر شیعه (از مشروطه تا کنون) مورد بررسی قرار گرفته است و به علت پذیرفته شدن مقوله دموکراسی در دوره ی معاصر در بین جریان های مختلف سیاسی و وارد شدن آن به ادبیات سیاسی اسلام، فقهای شیعه را بر آن داشته تا با رویکرد دینی به این موضوع پرداخته و آن را یک موضوع مهم و اساسی در مکتب اسلام تلقی نموده و سابقه آن را نیز به صدر اسلام نسبت دهند، اما با توجه به دیدگاه های آنها در مورد ماهیت حکومت در اسلام و در دوره غیبت و نقش مردم در رابطه با آن، از دیدگاه های متفاوت مثبت یا منفی در این خصوص برخوردار می باشند که در این میان اکثریت آنها معتقدند که مردم در شکل گیری و عینیت بخشی به حکومت چه در زمان معصوم و چه در زمان غیبت معصوم، نقش محوری و اساسی دارند ولی در مشروعیت دهی به حاکمیت حاکم (معصوم یا ولی فقیه) نقشی ندارند، زیرا از دیدگاه این طیف نصب آنها از جانب خداوند می باشند و از سوی دیگر عده ای نیز مشروعیت الهی - مردمی برای حاکم قائل بوده و معتقدند که طبق آموزه های وحیانی و روایی، خداوند با مشخص نمودن برخی مولفه های شاخص برای حاکم، تعیین سرنوشت و انتخاب حاکم را نیز به خود مردم موکول نموده است که در این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است.</p>	

فهرست مطالب:

عنوان	شماره صفحه
مقدمه.....	۱
۱- بیان مسئله.....	۲
۲- سوال تحقیق.....	۱۴
۳- فرضیه تحقیق.....	۱۴
۴- بررسی منابع (مرور ادبیات).....	۱۵
۶- سازماندهی تحقیق:.....	۲۴
فصل اول: مشارکت مردم و مشروعیت حکومت در عصر مشروطه.....	۲۶
۱- فقه و فقه سیاسی شیعه.....	۲۷
۲- مشارکت سیاسی از منظر فقه سیاسی شیعه.....	۲۸
۳- مشارکت سیاسی در حکومت اسلامی.....	۲۹
۴- مشروعیت و مولفه های اساسی آن در حکومت.....	۳۰
۵- بنیان های مشروعیت در دموکراسی نوین.....	۳۱
۶- دموکراسی و اسلام.....	۳۲
۶- ۱- همنشینی اسلام و مفاهیم دموکراسی.....	۳۳
۶- ۲- شیعه و دموکراسی.....	۳۴
۷- نظریه های مشروعیت در جهان اسلام.....	۳۴
۸- مشروعیت حکومت در عصر غیبت امام معصوم (ع).....	۳۷
۹- زمینه های ظهور و بروز اندیشه مشروطه خواهی.....	۳۸
۱۰- مدافعان و مخالفان مشروطه و دیدگاه های آنها در مورد نقش مردم در مشروعیت حکومت.....	۴۲

- ۱۰-۱- نظام سیاسی مشروطه و نقش فقها در کمّ و کیف آن :..... ۴۲
- ۱۰-۲- آخوند خراسانی و دیدگاه وی در خصوص مشروطیت و نقش مردم در آن..... ۴۳
- ۱۰-۳- آیت الله نائینی و تبیین وی از مشروطیت و نقش مردم در آن..... ۴۵
- ۱۰-۴- مؤلفه‌های مردم سالاری دینی از منظر نائینی:..... ۵۰
- ۱۰-۵- شیخ فضل الله نوری و دیدگاه های وی پیرامون حکومت و مشروطیت..... ۵۱
- ۱۰-۶- آیت الله سید محمد طباطبایی و اندیشه سیاسی وی..... ۵۲
- ۱۰-۷- شیخ محمد اسماعیل محلاتی غروی و اندیشه سیاسی وی..... ۵۳
- ۱۰-۸- آیت الله فاضل ترشیزی و دیدگاه های وی پیرامون حکومت..... ۵۳
- ۱۱- علل و زمینه های افول مشروطه از منظر فقه سیاسی..... ۵۴
- ۱۲- قانون اساسی مشروطه و نقش مردم در آن..... ۵۶
- ۱۳- پیامدهای مشروطه و ظهور رادیکالیسم شیعی..... ۵۹
- ۱۳-۱- عوامل داخلی موثر در ناکامی مشروطه..... ۶۲
- ۱۳-۲- عوامل خارجی موثر در ناکامی مشروطه..... ۶۳
- فصل دوم: فقه سیاسی شیعه، مردم و حکومت اسلامی در عصر مبارزات انقلابی عصر پهلوی..... ۶۴
- ۱- پیش زمینه های انقلاب اسلامی..... ۶۵
- ۲- دیدگاه های فقهای عصر پهلوی در مورد حکومت و نقش مردم در آن..... ۶۷
- ۲-۱- مدرس و دیدگاه های سیاسی وی در خصوص حکومت و مشارکت سیاسی..... ۶۷
- ۲-۱-۱- مدرس و مبحث جمهوریت از منظر وی..... ۶۹
- ۲-۲- آیت الله شهید محمد باقر صدر و مشارکت سیاسی از دیدگاه وی..... ۶۹
- ۲-۲-۱- مؤلفه‌های مردم سالاری دینی از دیدگاه شهید صدر..... ۷۰
- ۲-۳- آیت الله بروجردی و دیدگاه های سیاسی وی..... ۷۲
- ۲-۳-۱- ولایت فقیه از منظر آیت الله بروجردی..... ۷۳

- ۲- ۴- آیت الله سید ابوالقاسم خویی و دیدگاه های وی در خصوص مشارکت سیاسی ۷۵
- ۲- ۵- آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی و دیدگاه های سیاسی وی پیرامون حکومت ۷۵
- ۲- ۶- رویکرد نواب صفوی و فدائیان اسلام در بحث حکومت ۷۷
- ۳- ۱- پیش از تبعید ۷۸
- ۳- ۲- دوران تبعید ۷۹
- ۳- ۳- دوره پس از پیروزی انقلاب ۸۰
- ۴- مشروعیت سیاسی حکومت دوره پهلوی ۸۱
- فصل سوم: مردم و مشروعیت حکومت در اندیشه ولایت فقیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۸۳
- ۱- مشروعیت حکومت در دوره ی جمهوری اسلامی ۸۴
- ۲- مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) ۸۵
- ۳- نظریه مشروعیت الهی - مردمی حکومت از منظر امام خمینی (ه) ۸۶
- ۴- ماهیت نظریه ولایت فقیه از منظر امام خمینی (ره) ۸۹
- ۵- مشروعیت مردمی حکومت (نظریه انتخاب) و دیدگاه آیت الله منتظری در این راستا ۹۱
- ۶- دیدگاه برخی فقها و علمای شیعه در عصر مبارزات انقلاب اسلامی پیرامون حکومت ۹۳
- ۶- ۱- حکومت اسلامی و دیدگاه های سیاسی آیت الله مرتضی مطهری ۹۳
- ۶- ۱- ۱- نگاه آیت الله مطهری پیرامون جمهوری اسلامی و ولایت فقیه ۹۴
- ۶- ۲- دیدگاه آیت الله شهید بهشتی در خصوص حکومت اسلامی و نقش مردم در آن: ۹۵
- ۶- ۳- آیت الله سید محمود طالقانی و دیدگاه های وی در خصوص ولایت فقیه ۹۶
- ۶- ۳- ۱- تشکیل شورا، رکن اصلی حکومت مطلوب در دیدگاه طالقانی ۹۷
- ۷- قانون اساسی در فقه شیعه و نگاه آن به بحث ولایت فقیه ۹۸
- فصل چهارم: دیدگاه فقهای شیعه در مورد مشارکت سیاسی و جایگاه و نقش مردم در حکومت دینی در دوره پس از جمهوری اسلامی ایران ۱۰۱

- ۱- مشارکت سیاسی و جایگاه آن در دوره معاصر.....۱۰۲
- ۲- تلفیق نظریه ولایت شرعی و نظریه توکیل با نگاه نقش مردم در حکومت.....۱۰۶
- ۳- ضرورت تشکیل حکومت در جوامع اسلامی.....۱۰۸
- ۴- فقه شیعه و نظریه های مشروعیت در جمهوری اسلامی ایران.....۱۱۰
- ۵- جایگاه مردم در نظریات انتصابی و انتخابی حاکم اسلامی.....۱۱۱
- ۶- نقش مشارکت مردمی در تشکیل جمهوری اسلامی.....۱۱۲
- ۷- دیدگاه فقها و علمای دینی در دوره جمهوری اسلامی در خصوص نقش مردم در حکومت.....۱۱۷
- ۷- ۱- مبانی نظری امام خمینی (ره) در دفاع از نقش مردم در حکومت اسلامی.....۱۱۷
- ۷- ۲- دیدگاه های آیت الله خامنه ای در خصوص نقش مردم در حکومت.....۱۱۸
- ۷- ۳- آیت الله حسینعلی منتظری و ولایت فقیه و نقش مردم در حکومت.....۱۲۱
- ۷- ۴- حکومت اسلامی و نقش مردم در آن از منظر آیت الله مکارم شیرازی.....۱۲۳
- ۷- ۴- ۱- نقش مردم در تشکیل حکومت اسلامی از دیدگاه مکارم شیرازی.....۱۲۳
- ۷- ۵- دیدگاه آیت الله جوادی آملی در مورد حکومت و نقش مردم در آن.....۱۲۴
- ۷- ۶- آیت الله نوری همدانی و دیدگاه وی در خصوص نقش مردم در حکومت اسلامی.....۱۲۶
- ۷- ۶- ۱- دیدگاه آیت الله نوری همدانی در مورد ولایت فقیه.....۱۲۶
- ۷- ۷- دیدگاه آیت الله جعفر سبحانی در مورد حکومت و نقش مردم در آن.....۱۲۷
- ۷- ۸- نقش مردم در حکومت از منظر آیت الله مصباح یزدی.....۱۲۸
- ۷- ۹- دیدگاه های آیت الله مهدی حائری یزدی در مورد مبانی مشروعیت حکومت (شیعی).....۱۲۹
- ۸- دیدگاه های روشنفکران دینی معاصر پیرامون حکومت و نقش مردم در آن.....۱۳۱
- ۸- ۱- دیدگاه محمد مجتهد شبستری پیرامون حکومت و مشروعیت حکومت و نقش مردم در آن.....۱۳۱
- ۸- ۲- دیدگاه عبدالکریم سروش پیرامون حکومت در عصر حاضر و نقش مردم در آن.....۱۳۳

۸-۳- محسن کدیور و دیدگاه های وی در خصوص حکومت و نقش مردم در آن.....۱۳۵

نتیجه گیری:.....۱۳۷

فهرست منابع و مآخذ:.....۱۳۹

مقدمه

با عنایت به اهمیت بحث مشارکت سیاسی در تعیین سرنوشت ملت ها و اداره حکومت ها و همچنین نقش اساسی مردم در حکومت های جهان معاصر، مکاتب متعدد فکری و سیاسی از جهات مختلف به نظریه پردازی در این خصوص پرداخته اند که در این راستا علاوه بر تئوری پردازی های جریان های فکری و سیاسی سکولار و غیر دینی، مکاتب مذهبی و دینی نیز به موازات اهمیت این موضوع، به تبیین اندیشه های خود در این خصوص پرداخته اند که در این میان مکتب اسلام و به ویژه مذهب شیعه با استناد به آموزه های وحیانی و غیر وحیانی خود از طریق دستگاه فقهی به بررسی نقش مردم در تعیین سرنوشت خود پرداخته و حتی آن را با مقوله دموکراسی در جهان معاصر که به نوعی در حال حاضر مورد پذیرش اکثر صاحب نظران سیاسی می باشد تطبیق داده و تشریح نموده اند که ما نیز در این نوشتار در صدد بررسی موضوع مذکور از منظر فقه سیاسی شیعه در جهان معاصر (از مشروطه تا دوره جمهوری اسلامی) هستیم.

۱- بیان مسئله

ریشه ابتدایی دموکراسی را باید در یونان عهد باستان جستجو کرد که البته مفهوم دموکراسی در عصر مدرن تفاوت هایی بعضاً ماهوی با ریشه یونانی دارد، دموکراسی در فلسفه یونانی در کنار آریستوکراسی (حکومت اشراف) و تیموکراسی (حکومت جاه طلبان) قرار داشت. در حدود ۲۶۰۰ سال پیش در آتن یک سیستم دموکراسی مستقیم حاکم بود و هر شهروندی - غیر از زنان و کودکان و برده ها و مهاجرین - اجازه داشت که در انتخابات مستقیم حق مشارکت داشته باشد. عده ای معتقدند که بنیان گذار دموکراسی پریکلس (۴۲۹ - ۴۹۰ ق.م) می باشد که دولت شهر آتن را دموکراسی می نامید، که البته برخی از اندیشمندان معتقدند که اولین نمود فعلیت یافتن دموکراسی را می توان در سده های نهم و

هشتم پیش از میلاد در جامعه یونان باستان سراغ گرفت که اولین آثار مکتوب درباره آن توسط فیلسوف - شاعرهای سده های مذکور برجای مانده که این آثار به دلیل برخورداری از روح آزادی طلبانه در به وجود آمدن دولت شهرهای یونانی (آتن و اسپارت) تأثیر گذار بوده است و این نوع از نظام سیاسی ضمن داشتن موافقان زیاد، دارای مخالفانی از بین فیلسوفان بزرگ از جمله هراکلیتوس، سقراط و افلاطون بوده است که این نوع از حکومت را مایه هرج و مرج می دانستند.

با توجه به مبحث ما در رابطه با مشارکت سیاسی مردمی در حکومت اسلامی چندین سوال مطرح می گردد از جمله اینکه نقش مردم در مشروعیت حکومت اسلامی و تحقق یافتن آن چیست؟ که در پاسخ به این سوال می توان تاریخ اسلام را حداقل به سه دوره تقسیم کرد: ۱- زمان خود پیامبر (ص) ۲- زمان ائمه و حضور امام معصوم ۳- زمانی که امام معصوم در میان جامعه نیست؛ اما نسبت به زمان حضور پیامبر (ص) ظاهراً بین مسلمانان هیچ اختلافی نیست که مشروعیت آن حضرت هیچ ارتباطی با نظر و خواست مردم نداشته است بلکه مشروعیت ایشان هم به لحاظ داشتن رسالت و هم به لحاظ حکومت صرفاً از طرف خداوند بوده و بدون اینکه نظر مردم و تمایل آنها را خواسته باشند و در این امر اعمال نمایند، زیرا همانطور که خداوند ایشان را به پیامبری برگزیده حق حکومت را نیز به ایشان عطا نموده است و اگر مردم هم حکومت ایشان را نمی پذیرفتند تنها این بود که حکومت تحقق پیدا نمی کرد نه اینکه مشروعیت پیامبر (ص) برای حکومت و حق حاکمیتی از بین می رفت. در پاسخ به این سوال که مردم چه نقشی در تشکیل این حکومت داشت باید گفت که مردم نقش اساسی در تحقق آن داشته است، زیرا به نشانه تسلیم و رضایت، با ایشان بیعت نموده و با نثار جان و مال خود، ایشان را همراهی و پایه های حکومتش را نیز استقرار بخشیدند.

بعد از رسول خدا (ص) در خصوص مشروعیت حکومت اسلامی بین شیعه و سنی اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد، اهل سنت معتقدند که منشأ حکومت پس از پیامبر اسلام اراده مردم و اساس حکومت را نوعی قرار داد میان حاکم و رعیت می دانند که از طریق بیعت مردم با حاکم تحقق می یابد، مطابق این قرار داد حاکم تا زمانی که بر اساس عدالت، مصلحت و مدارا به اداره امور مردم بپردازد مردم نیز ملزم به اطاعت از آن خواهد بود. در نظر اهل سنت حاکم با مشورت اهل حل و عقد برگزیده و با بیعت مردم حکومت وی مشروعیت می یابد که مستند آنها در این زمینه عمل صحابه در صدر اسلام است و به نظر آنها انتخاب خلیفه سوم و چهارم با مشروعیت خبرگان امت و بیعت مردم بوده است.

اکثر علما و فقهای شیعه معتقدند که اراده ی مردم مشروعیت بخش به حکومت اسلامی نمی باشد بلکه منشأ آن تنها و تنها خداوند متعال است که در این راستا نیز دلایل عقلی و نقلی زیادی ارائه نموده اند، با این حال مردم در تحقق و عینیت بخشیدن حاکمیت حاکم مشروع، نقش اساسی و کلیدی دارند به این معنا که پذیرش و استقبال مردم از حکومت، مشروعیت الهی و ولایت سیاسی حاکم منصوب را به مرحله فعلیت و شکوفایی می رساند، اگر آنان همکاری نکنند و حکومت مشروع را نپذیرند، حکومت حاکم مشروع نمی تواند عینیت یابد و به اجرای قوانین در جامعه پردازد حتی اگر در رأس حکومت فرد معصومی مانند حضرت علی(ع) قرار بگیرد.

اهل سنت در مورد مشروعیت حکومت ها پس از پیامبر(ص) به سه مبنای معتقدند: ۱- انتخاب مستقیم از طرف مردم ۲- نصب از جانب خلیفه قبل ۳- و تعیین اهل حل و عقد و البته زور و غلبه نیز یکی دیگر از راه های مشروع انعقاد خلیفه در اندیشه سیاسی اهل سنت می باشد که در دوره های بعدی پس از خلفای صدر اسلام وجود داشته است، اما نظریه های جدید خلافت برخلاف نظریه های قدیم، تمایلات مردم گرایانه دارند، برخی از اندیشمندان اهل سنت در دوران جدید بر حاکمیت مردم تأکید داشته و نظام سیاسی مشروع را ناشی از اعمال حق حاکمیت توسط مردم می دانند. در خصوص ویژگی های خلیفه و جانشین پیامبر علاوه بر اعتقاد به عقل و بلوغ و مرد بودن و آزاد بودن، به ویژگی هایی نیز معتقدند که عبارتند از: اجتهاد و علم، عدالت و شجاعت که این ویژگی ها مورد اجماع و اتفاق آنها می باشد و بخش دوم صفت عصمت می باشد که بر عدم اعتبار آن نیز اتفاق نظر دارند و معتقدند که عدالت در خلیفه کافی است و نیازی به عصمت نمی باشد.

در مورد عزل خلیفه دیدگاه های قدیم و جدید با هم تفاوت دارند، اندیشه های جدید بیشتر به محدودیت زمانی خلیفه تأکید دارند ولی نظریه های قدیم نوعاً خلافت را دائمی و مادام العمر دانسته اند که جز مرگ خلیفه یا عوارض خاصی مانند زوال عدالت یا نقص در اعضای اصلی او چیزی مانع استمرار آن نبوده است، نظریه های قدیم اهل سنت معتقدند که خلیفه در همه شئون زندگی عمومی و خصوصی و دینی و دنیوی زندگی انسان دارای اختیار می باشد، اما نظریه های جدید ضمن پذیرش موارد مذکور، اقتدارگرا هستند و حکومت اسلامی را حکومت شورایی مردم سالار و مقید به قانون اساسی می دانند. اهل سنت نیز همانند تشیع به جدایی دین از سیاست نمی اندیشد و آن دو را گسست ناپذیر می داند و به لحاظ اجرای شریعت آن را لازم می داند، اما به رغم پیوند آشکار دین در خلافت اسلامی امامت و

رهبری در اندیشه آنها از اصول دین یا مذهب محسوب نمی شود بلکه فرعی از فروع دینی به حساب می آید.

در نزد شیعیان، امام دارای صفات و ویژگی هایی است که برخی از آنها عبارتند از: عصمت، علم، شجاعت، زهد و تقوا، پیراستگی از عیوب جسمی و روحی، توانایی بر انجام معجزه و... و در این مذهب بحث حکومت اسلامی و انتظار فرج در دوره غیبت از مباحث مهم و اساسی می باشد و اکثر فقهای شیعی تشکیل حکومت اسلامی را در دوره غیبت ضروری می دانند و معتقدند که فقهای عادل باید به این امر مهم اقدام نمایند و اگر یکی از آنها تشکیل حکومت داد بر دیگران واجب است که از او پیروی نمایند. در مقابل، شماری اندک بر این باورند که اقامه حکومت از شئون امام معصوم است، بنابراین در عصر غیبت تشکیل حکومت جایز نیست، این تفکر ابتدا به صورت یک اختلاف نظر فقهی و کلامی مطرح بود که بعدها رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته است و برخی از فقها نیز بر اساس همین بینش به مخالفت با بحث مشروطه در دوره معاصر پرداخته اند و فقهایی چون: آخوند خراسانی، مازندرانی و علامه نائینی را تخطئه کردند، زیرا این امر را در عصر انتظار مشروع نمی دانستند و می گفتند که وظیفه ما در این عصر انتظار است و نباید در امور سیاسی دخالت کنیم و عنوان می کردند که تشکیل حکومت در عصر غیبت دخالت در قلمرو کار امام معصوم می باشد.

به عقیده بسیاری از فقهای شیعه تشکیل حکومت اسلامی امری مهم، لازم و آشکار است، زیرا بخش عظیمی از قوانین اسلامی برنامه های سیاسی - اجتماعی است که جز در سایه تشکیلات و حکومت قابل اجرا نمی باشد و از آنجایی که این احکام دائمی است و در زمان غیبت هم لازم الاجرا است، بنابراین هر گاه مقدمه تشکیل حکومت امکان داشته باشد به عنوان مقدمه اجرای احکام الهی واجب است به آن اقدام گردد. تقریباً در یکصدسال گذشته و از نهضت تنباکو و مشروطیت در ایران، مردم خواهان نقش بیشتری در حکومت بوده اند و در عمل نیز حضور آنها در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی فعال بود است، در این فاصله زمانی علمای شیعه به عنوان یکی از تأثیرگذارترین قشر جامعه ایران در این توجیه نظری و بسط آن تلاش بسیاری کرده اند، هر چه از عصر تنباکو و مشروطه به عصر انقلاب اسلامی نزدیکتر می شویم، تکیه بر نقش مردم در حکومت در اندیشه سیاسی علمای شیعه افزوده می شود و مردم هم در عمل از یک نقش حاشیه ای و ابزاری در حکومت به یک نهادی فعال و تأثیرگذار در عرصه های سیاسی تبدیل شده و به تبع مشارکت سیاسی مردم نیز در حکومت ملموس تر می شود.

برخی تاریخ نگاران پیدایش مفهوم "ملت" به معنای جدید آن را در ایران به عصر مشروطیت بر می گردانند و معتقدند که این مفهوم برای اولین بار در ادبیات سیاسی مشروطه بروز پیدا کرده است، در این دوره مردم با آگاهی یافتن از حقوق خود در حکومت به کمک و رهبری علمای شیعه توانستند نقش خود در حکومت را گسترش دهند و به ایجاد نظام مشروطه و نهادهای ملی جدید مثل مجلس شورا، به قدرت سیاسی مطلقه استبدادی مهار زده و آن را محدود سازند. در واقع مردم در قیام تنباکو با کمک و پشتیبانی مرجع دینی آیت اله میرزای شیرازی، پی به قدرت خود برده و فهمیده بودند که اگر همبستگی داشته باشند می توانند برخلاف اراده شاه، اراده جمعی خود را به کرسی بنشانند، این خود آگاهی از قدرت خویش آغاز تحولاتی شد که سرنوشت حداقل یک قرن پس از خود را نیز رقم زد.

در این قیام عنصری به نام مفهوم مردم وارد ادبیات سیاسی جامعه و علمای دینی شیعه شد، در نهضت مشروطه گسترش مشارکت مردم در امور سیاسی فراتر از قیام تنباکو بوده است به این معنا که مردم در این برهه خواهان تغییر در ساختار حکومت و تبدیل نظام پادشاهی استبدادی به یک نظام مشروطه مردمی بودند که بنابراین، هم مشارکت عملی مردم در سیاست توسعه یافت و هم مطالبات سیاسی آنها گسترش یافت که در رأس این حرکت، راهنمایی ها و ارشادات مراجع دینی قرار داشته است و بدین ترتیب می توان از آیت اله محمد حسین نائینی به عنوان تئوریسین حقوق مردم در حکومت اسلامی در آن مقطع یاد کرد که سعی کرد حضور عملی مردم در سیاست را از منظر اسلامی تئوریزه کند و از مملوک و عبد پادشاه بودن آنها را خارج سازد.

نائینی مشارکت مردم در سیاست را با توجیه نظری نظام مشروطه و نهاد های مرتبط با آن مانند مجلس که نمایندگان مردم در آن حضور داشتند به عنوان ابزاری برای محدود کردن قدرت سرکش پادشاهی به کار گرفت، از نظر وی وقتی مشارکت مردم در حکومت از جمله ی حقوق آنها باشد باید آنقدر آزاد باشند تا بتوانند دولت را مورد سوال یا اعتراض قرار دهند. نائینی با ارائه سه دلیل عقلی و نقلی و به استناد آیات و روایات بر این حق مردم در حکومت صحه می گذارد که عبارتند از: ۱- لزوم مشورتی بودن حکومت اسلامی که به استناد از آیات و روایات به اثبات آن می پردازد ۲- مردم به دلیل مالیاتی که برای حفظ مصالح نوعیه به حکومت می پردازند حق مشارکت در حکومت را دارند ۳- از جهت وجوب نهی از منکر که در اسلام از مسلمات است و برای جلوگیری از تجاوزات سلطان به حقوق ملت (در زمان غیبت)، مردم حق مشارکت در حکومت را دارند.

بنابراین نائینی مجلس مشروطیت و حضور نمایندگان مردم در این مجلس را به عنوان تجلی اراده جمعی در یک تحلیل فقهی به عنوان جایگزینی برای عصمت معصوم در حکومت شیعه قرار می دهد و با نگاهی کارکردی به حکومت، مجلس را که متشکل از آگاهان و عقلای جامعه است مناسب برای اداره جامعه می بیند و کارکرد این نهاد را بهتر از نظام پادشاهی می داند و معتقد است از آنجا که در عصر غیبت از اصل لزوم حکومت گریزی نیست و از طرفی در زمان معصوم به سر نمی بریم تا با توجه اصل عصمت و مصونیت او از خطا و اشتباه که بنا به مذهب طائفه امامیه اعتبارش در وحی نوعی شرط است و با اتکا بر آن نمی توانیم از ظلم و استبداد در امان باشیم به ناچار در زمان غیبت باید جایگزینی برای این اصل پیدا کنیم که وظایف امام معصوم را در حد قوه بشریه انجام دهد، بنابراین گماشتن قوه و هیئت تصمیم گیر (مجلس شورا) قدر مقدور از جانشین قوه عاصمه عصمت است که این مجلس به قدر قوه بشریه می باشد. در مشروطه اسلامی نائینی، قوانین مصوب مجلس که تجلی حاکمیت مردم است باید از کانال تنفیذ و تأیید فقها بگذرد تا قطعیت پیدا کند، بنابراین مصوبات مجلس در طول رأی فقیه قرار می گیرد که در اصل دوم قانون مشروطیت نیز به آن تصریح گردیده است.

ورود آیت الله مدرس به عرصه سیاست عملی با معرفی او از جانب علمای نجف، مجلس دوم مشروطه در اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی برای نظارت بر قوانین موضوعه مطابق با شرع مقدس اسلام و مذهب شیعه همراه بود. مدرس در تثبیت یکی از مهمترین نهادهای مشارکت مردمی یعنی مجلس قانون گذاری تأثیر بسزایی داشت و او مجلس را مظهر اراده اجتماعی می داند که نظام مشروطه را از استبداد متمایز می نماید و این را یک امر عقلی می داند، زیرا در استبداد مملکت تحت اراده شخصی اداره می شود و در مشروطه تحت اراده اجتماعی. در اندیشه مشروطه خواهان که نائینی سخنگوی آن طیف می باشد، در کنار دو رکن فقاها و سلطنت، مردم به عنوان رکن سوم، مشروعیت پیدا می کند؛ نمایندگان مردم از یک سو در اقامه وظایف نوعیه از سوی دولت و جلوگیری از هرگونه تعدی و کوتاهی نظارت و مراقبه و محاسبه می کنند و از سوی دیگر در امور غیر منصوص راهکار صحیح جهت اجرای مسائل را با اتفاق نظر اکثریت آراء انتخاب می کنند.

قانون اساسی مشروطه در زمان طرح و تکوین آن دارای موافقان و مخالفان از منظر فقهی بود که در این راستا موافقان بر اساس دلایلی چون تعدد قوانین در باب یک جرم و گاه تناقضات میان آنها و همچنین تابعیت از مقتضیات زمان همانند اصولیون به مشروطه خواهی روی آوردند، لکن مخالفان مشروطه با اعتقاد به دین اسلام به عنوان آخرین و کاملترین دین الهی بر آن بودند که اسلام برآورنده ی

تمام نیازهای بشری حتی در قضیه وضع قانون بوده است، از جمله شیخ فضل الله نوری معتقد بود که انسان همواره از آوردن قانونی برتر از قانون اسلام عاجز است، اما اکثریت قریب به اتفاق مشروطه طلبان خواهان اقتباس قانون از غرب بودند و به این دلیل مخالفان قانون اساسی را در تعارض با شرع دانسته و قانون گذاری را در حکم بدعت بر می شمردند، عواملی از جمله مقتضیات زمان، اصولیون، سابقه قانون گذاری در صدر اسلام، تفکیک احکام اولیه و ثانویه (کبرویان و صغرویات) در تکوین قانون اساسی تأثیر گذار بودند، مخالفان قانون گذاری (قانون اساسی و مشروطه) معتقد بودند که دین اسلام به عنوان آخرین و کاملترین دین الهی است و کاملترین دین هم طبعاً برآورنده تمامی نیازهای بشری است تا روز قیامت و هر گونه اعتقاد به وجود کاستی در آن برابر با نقص نبوت می باشد، از نظر شرع اسلام کفر می باشد و در این راستا به آیات و روایات از جمله آیه "اکملت لکم دینکم" و... استناد می کردند.

اما در بیداری مردم ایران و حرکت سیاسی ای که منجر به نهضت مشروطیت و تدوین قانون اساسی مشروطه شد عوامل مختلفی دخیل بودند که در این میان محوریت مردمی بودن آن عبارتند از: تفکر عقیدتی و سیاسی توده های مردم مسلمان مبنی بر غیر شرعی بودن نظام استبدادی قاجاری، استقبال مردمی از فتوای مراجع آن زمان از جمله در خصوص جنبش تنباکو، افکار بیدار کننده و مبارزات برخی از اندیشمندان از جمله سید جمال الدین اسدآبادی که موجب هر چه بیدارتر شدن مردم ایران گردید، روشنفکران و تحصیل کرده های خارج که در مدت اقامت در کشورهای اروپایی با افکار جدید و مسایل سیاسی به ویژه با پاره ای از حقوق و آزادی های غربی آشنا شده بودند و در اشاعه شعارهای جدیدی چون آزادیخواهی و حقوق حاکمیت ملت و مبارزه ملی بر ضد استبداد که مفاهیم آن در قالب اصطلاحات اسلامی برای مردم مطرح بود، سهم بسزایی داشتند، ولی این روشنفکران به دلیل جایگاه اجتماعی شان که معمولاً نشأت گرفته از دامن اشراف و خانواده های وابسته به دربار بود شیفته تمدن غرب و موج آزادی خواهی دنیای فرنگ شده بودند و در حل مشکلات کشور الگوی غربی را تنها راه می پنداشتند و این خود باختگی و غرب زدگی علیرغم نقش مثبتی که روشنفکران در قیام مشروطیت داشتند عامل عمده انحراف مشروطیت از اهداف و آرمان های مردم قیام کرده مسلمان ایران گردید و موجب گرایش و وابستگی ها و بالاخره سقوط مشروطیت در دامن استعمار بریتانیا شد. در آن مقطع مردم از استبداد دولت به روحانیت پناه می بردند که این قشر، قشر تأثیرگذار بود و مردم پشت سر آنها نماز می خواندند و اعمال شرعی خود را به وسیله آنها انجام می دادند و تأثیر این قشر بر بازار و حتی تعطیل نمودن

آن و به نوعی مختل نمودن زندگی شهری دستاویز قدرتمندی برای اعمال فشار بر دولت محسوب می شد.

اما باید گفت که اولین تجدید نظر در قانون اساسی از زمان مشروطه در زمان پهلوی در پی کودتای ۱۲۹۹ ه.ش و انقراض سلسله قاجار و روی کار آمدن رضا خان پهلوی به وقوع پیوست که البته هرگونه تجدید نظر در این قانون و متمم آن به منظور افزایش اختیارات شاه و دربار صورت می گرفت، اما علل تغییر قانون اساسی به دنبال یک سری حوادثی بود که شاه ایران را نسبت به خطرات احتمالی نگران می ساخت، ترور حسنعلی منصور نخست وزیر پیشین و بروز آشوب و درگیری در شهرهای مختلف در پی ماجرای کاپیتولاسیون و سپس ترور نافرجام شاه در کاخ مرمر همه و همه دست به دست هم داد تا سر انجام لزوم تغییر قانون اساسی و قانون انتخابات مجلس موسسان از تصویب مجلس گذشت.

علمای عصر پهلوی در مورد حکومت اسلامی از دیدگاه های متعددی برخوردار بودند که می توان نظرات آنها را در سه گروه دسته بندی کرد: گروه اول مبارزه با حکومت را به کلی نفی می کردند، گروه دوم مبارزه را نفی نمی کردند اما آن را زیان آور می دانستند، گرچه عقیده فقهی شان بر ولایت فقیه بود، گروه سوم امام خمینی (ره) و یارانش بودند که معتقد بودند مبارزه به ضرر به وجود آوردن حکومت اسلامی نمی باشد و ما می توانیم مملکت با حکومت اسلامی را اداره کنیم.

با توجه به قرائن و شواهد موجود آیت الله بروجردی عقیده اش حکومت ولایت فقیه بود اما در این خصوص عنوان نموده است: «حکومت برای فقیه است ولی فعلا فرد و نیروی کافی نداریم تا آن را در اختیار فقیه قرار دهیم»، وی بارها عنوان نموده بود که ولایت فقیه را در اختیار و ادامه امام معصوم می دانیم، هر چند که وی در مقاطعی از شاه حمایت می کرد ولی در این خصوص توضیح می داد که این کار را به خاطر اینکه شاه از طرف بیگانگان تحت فشار بوده انجام داده تا وی به طور کامل تحت امر بیگانگان نباشد اما در موارد مهمی از جمله ۱- اصلاحات ارضی با شاه مخالفت می کرد و به علما هم سفارش کرده بود که این اقدام شاه را تحریم نمایند، اما پس از رحلت وی این اتفاق عملیاتی گردید. ۲- جلوگیری از تغییر قانون اساسی و خط الرسم کشور که شاه تصمیم داشت مثل ترکیه که در جهت متمدن شدن، خط را از زبان فارسی به لاتین تغییر دهد که با مواضع تند آیت الله بروجردی مواجه شد و ایشان گفتند که تا زنده اند اجازه نخواهند داد این کار عملی گردد.

وی هرچند که مبارزات نرم خود را با کادر سازی از مردان سیاسی و در پرتو رشد و تعالی که به حوزه داده بود افراد مناسبی را برای پیشبرد نهضت و در نهایت رسیدن به انقلاب تحویل اجتماع داد، امام